

رویکرد آمایشی در تحلیل نظام شهری با تأکید بر مفهوم مناطق همگن و اداری

نادر زالی، استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه گیلان، ایران

چکیده

در مجامع علمی و کارشناسی آمایش سرزمین، همواره تحلیل‌های متعدد و متضادی در خصوص ویژگیهای نظام شهری مناطق صورت گرفته است و نتایج ارایه شده به دلایلی نظیر تعریف مناطق بر اساس محدوده‌های اداری و سیاسی و یا استفاده صرف از مدلها و تکنیک‌ها بدون توجه به کاربرد منطقه‌ای آنها، دارای تفاوت‌های اساسی و متضاد بوده و تصمیم‌گیری مناسب را برای مدیران و برنامه‌ریزان دچار مشکل ساخته است. هدف اصلی این مقاله، مقایسه تأثیر انتخاب محدوده‌های جغرافیایی در استخراج نتایج متفاوت در تحلیل‌های آمایشی از منطقه است. این مقاله موضوع انتظام فضایی شهرها را در دو منطقه آذربایجان، شامل: استانهای آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی و اردبیل به عنوان یک منطقه همگن از یک طرف و استان آذربایجان شرقی به عنوان یک منطقه سیاسی و اداری از طرف دیگر بررسی نموده است. نتایج نشان دهنده تفاوت بسیار زیاد ویژگیهای نظام شهری بین منطقه همگن و منطقه سیاسی اداری است. با انتخاب استان آذربایجان شرقی به عنوان یک منطقه، الگوی نخست شهری وضعیت فوق برتری را نشان می‌دهد، ولی با انتخاب منطقه همگن آذربایجان، الگوی نخست شهری به وضعیت برتری مطلوب تغییر پیدا می‌کند که نشان دهنده وضعیت مطلوب برای منطقه است. در این مقاله، به ضرورت توجه جدی به تعریف علمی منطقه در مطالعات توسعه شهری و منطقه‌ای اشاره شده است.

واژه‌های کلیدی: نظام شهری، منطقه همگن، مناطق اداری، منطقه آذربایجان، نخست شهری.

۱- مقدمه

۱-۱- بیان مسأله

روند رو به رشد شهرنشینی در دهه‌های اخیر، همگام با مهاجرت‌های شدید روستا - شهری و همزمان با سیر تحولات اقتصادی - اجتماعی و سیاسی، از مهمترین عوامل ایجاد الگوی نامتوازن نظام شهری در ایران بوده و تجمع و تمرکز جمعیت و فعالیتهای مهم اقتصادی در چند قطب عمده، باعث شکل‌گیری آرایش فضایی ویژه-ای گردیده است که مؤید حاکمیت عارضه ماکروسفالی بر نظام شهری ایران است.

الگوی حاکم بر نظام شبکه شهری در ایران تا اوایل سده حاضر الگویی سحابی یا کهکشانی بود، اما از سال ۱۳۰۰ به بعد با رشد نظام سرمایه‌داری در ایران و جایگزین شدن مازاد اقتصادی حاصل از صادرات نفت و انباشت آن در شهرهای بزرگ و خصوصاً تهران، رابطه دو سویه شهرها و روستاها به یک رابطه یک طرفه تغییر یافت و الگوی حاکم بر نظام شبکه شهری به شکل زنجیره‌ای مبدل گردید. (تقوایی، ۱۳۷۹: چکیده) در واقع، با انجام اصلاحات ارضی و رکود اقتصادی در روستاها، هجوم مهاجران به شهرها، بخصوص شهرهای بزرگ، آرایش نظام متعادل سکونتگاهی به هم ریخت و شهرنشینی شدید و قطبی به وجود آمد.

امروزه روند توسعه شهرها، حاکی از تبدیل زمین به یک سیاره شهری است و جامعه روستایی به تدریج در حال تبدیل شدن به یک اقلیت کوچک است. از طرف دیگر، بیشترین جمعیت شهری دنیا در کشورهای در حال توسعه هستند و در این کشورها، شهرهای بزرگی به

وجود آمده‌اند که باید آنها را ابرشهرهای قرن ۲۱ نامید. در چنین حالتی، مشکلاتی نظیر: تسلط شهری، عدم تعادل در نظام سلسله مراتب شهری، کمبود مسکن و غیره به عنوان حادترین مشکلات در سیمای جامعه شهری جلوه‌گر می‌شود (پورمحمدی، ۱۳۸۶: ۳).

یکی از بارزترین این ویژگیها، توزیع نامناسب نظام شهری است که عمدتاً بر پایه تمرکز فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی و جمعیت در یک شبکه شهری بزرگ است (احمدی، ۱۳۷۶: ۸). در کشورهای جهان سوم به دلیل شرایط ویژه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، نظام خاصی از شبکه ناهمگون و از هم گسیخته شهری به وجود آمده که در حقیقت نشان دهنده رشد انگلی یک یا چند شهر و عقب ماندگی سایر شهرهای کشور در فرآیند توسعه است. وجود نخست شهری نشان دهنده فقدان انسجام اقتصادی، سیاسی، و اجتماعی شهرهای کشور در یک نظام واحد است (شارع پور، ۱۳۸۷: ۲۳).

طی سه دهه گذشته که نقطه عطف تحولات جمعیتی در ایران است، به تدریج اندازه کلانشهرها و قطبهای عمده بزرگتر شده و بر تعداد شهرهای کوچک افزوده شده است، میزان جمعیت‌پذیری شهرهای میانی و کوچک کاهش یافته و خلا سکونتگاهی در نظام سلسله مراتب کشور در سالهای ۶۵-۱۳۳۵ باعث تعمیق روزافزون شکاف در نظام شهری و گسیختگی شبکه شهری شده و عملاً نقش شهرهای میانی و کوچک در ایجاد تعادل از بین رفته است. اگر چه از سال ۶۵ به بعد، به تدریج از افزایش نرخ رشد جمعیت کلانشهرها کاسته

های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فضایی استان را رصد کرده، برنامه ریزی مناسب برای ایجاد تعادل فضایی و توزیع مناسب خدمات و فعالیت ها را ارائه دهند. برای رصد این شرایط، از مدلها و شاخص هایی که در منابع علمی ارائه شده، بدون توجه به سطح کاربرد آنها استفاده می شود. مدلهایی مانند نخست شهری، رتبه اندازه، آنتروپی، کشش پذیری، ضریب جینی و غیره که به کارگیری آنها نیازمند تعریف دقیق منطقه کارکردی است، در محدوده تقسیمات سیاسی استان ها (کوچک و بزرگ) استفاده می شوند و نتیجه آن، در معرض تصمیم گیری و برنامه ریزی مدیران ارشد قرار می گیرند.

مطالعات مستقل و منفصل استانها، بخصوص در مباحث نظام شهری آمایش سرزمین، به ارائه نتایج نامعقولی، مانند عدم سلسله مراتب منطقی شهری، وجود عارضه نخست شهری شدید، میل به بی نظمی، کشش پذیری پایین شهرهای کوچک و میانی و نابرابری در توزیع خدمات منجر شده و به پیرو آن پیشنهادها نامناسب در تعدیل نظام شهری وحل مسایل مذکور ارائه گردیده که در بسیاری از موارد دور از واقعیت بوده است. این وضعیت به دلیل عدم توجه به تعریف دقیق منطقه و کارکردهای بین استانی برخی فعالیت ها و مراکز شهری در تحلیل مسایل کلان اتفاق می افتد. به نظر می رسد برخی از مسایل توسعه استانها، بخصوص شبکه های زیربنایی، شبکه های انرژی، نظام شهری و شبکه سلسله مراتبی آن، نظام سکونتگاهی و غیره، در برخی موارد امکان بررسی در قالب محدوده های سیاسی و اداری استانها را ندارند و ضروری است با تعریف دقیق

شده، ولی این کاهش بیشتر به دلیل کاهش نرخ رشد جمعیت کشور بوده است.

بر اساس بررسیهای علمی، شاخص بزرگ سری در سال ۱۳۳۵ برای فضای سرزمینی کشور برابر ۵/۲۱ بوده که این رقم در سال ۵۵ به ۶/۷۸ افزایش یافته است. از سال ۱۳۶۵ به بعد رشد صعودی این پدیده متوقف شده و در این سال این شاخص به ۴/۱ کاهش یافته و در ادامه روند کاهشی در سال ۱۳۷۵ به ۳/۵۸ و در سال ۱۳۸۵ نیز به ۳/۲ کاهش یافته است (زبردست، ۱۳۸۶: ۳۶).

این موضوع که از نظر علمی باید در سطح منطقه ای محدوده ای از فضای جغرافیایی برای تحلیل نخست شهری مد نظر قرار گیرد، چالش اصلی مقاله حاضر است. با توجه به اینکه در اکثر استانهای کشور محدوده جغرافیایی آن استان، در تحلیل نخست شهری نظام شهری استفاده می گردد و به ارائه نتایج و تحلیل های نادرست منجر می شود ضرورت دیده شد ارتباط بین این مدل و مفهوم منطقه همگن در تعیین مرزها مد نظر قرار گیرد تا به نحو مطلوب از مدلها استفاده گردد. برای این هدف، سعی شده یک محدوده جغرافیایی با عنوان منطقه همگن و یک محدوده جغرافیایی با عنوان محدوده سیاسی و اداری استانها به وسیله این مدل ساده مقایسه تطبیقی شوند و نتایج نخست شهری و تضاد آنها به آزمون گذاشته شود.

۱-۲- اهمیت و ضرورت

با عنایت به تقسیمات سیاسی کشور به ۳۱ استان - با اضافه شدن استان البرز در سال ۱۳۸۹- مدیریت استانها با همکاری برنامه ریزان، در تلاش هستند تا وضعیت

منطقه کارکردی و همگن، نسبت به بررسی دقیق این مسایل با رویکرد منطقه ای پرداخته شود.

یکی از این مناطق که همواره مورد بحث و بررسی قرار گرفته، منطقه آذربایجان، متشکل از سه استان آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی و اردبیل است که در مطالعات کلان آمایش ملی و همچنین طرح کالبدی ملی به عنوان یک منطقه همگن در نظر گرفته شده است، ولی در عمل هر کدام از استانهای مذکور، مدلهای فوق الذکر را در محدوده سیاسی استان بررسی می کنند که نتایج بسیار متفاوتی را به دنبال داشته است. با عنایت به ضرورت پرداختن به چنین مقوله ای، این مقاله بر آن است تا موضوع نخست شهری را در هر دو منطقه بررسی کند و فاصله عمیق نتایج با واقعیت ها را نشان دهد.

۱-۴- سؤال‌های تحقیق

سؤال اصلی تحقیق این است که آیا انتخاب محدوده های مختلف سیاسی می تواند در تحلیل های کلان نتایج مشابهی داشته باشد یا خیر؟ در قالب همین سؤال ، سؤالهای فرعی دیگری نیز به شرح ذیل در این تحقیق دنبال می شود:

۱-۴-۱- منطقه همگن کارکردی و رسمی اداری چه تفاوتی با هم دارند؟

۱-۴-۲- در منطقه شمال غرب چه محدوده هایی منطقه همگن و چه محدوده هایی منطقه رسمی هستند؟

۱-۴-۳- آیا نتایج تحلیل های نخست شهری در هر دو محدوده مورد مطالعه با هم برابرند؟

۱-۳- اهداف

هدف اصلی این مقاله، بیان تفاوت‌های مهم تعریف محدوده منطقه مورد مطالعه در مطالعات کلان در ارایه نتایج متفاوت است. با این مفهوم، اهداف فرعی زیر در این تحقیق دنبال می شود:

۱-۳-۱- بررسی و تبیین مفهوم منطقه همگن کارکردی در مطالعات کلان؛

۱-۳-۲- تبیین محدوده منطقه همگن کارکردی و منطقه رسمی اداری در منطقه شمالغرب کشور؛

۱-۳-۳- تحلیل شاخصهای نخست شهری در مناطق همگن کارکردی و اداری؛

۱-۳-۴- مقایسه نتایج حاصل از تحلیل های نخست شهری در دو منطقه همگن کارکردی و اداری.

۱-۵- روش تحقیق

در این مقاله، هدف بررسی موضوع نخست شهری و شکافهای سلسله مراتب سکونتگاهی با استفاده از قانون سلسله مراتب و شاخصهای مختلف نخست شهری، شاخص دو شهر، شاخص کینزبرگ، شاخص مهتا و شاخص موماو و الوصابی با توجه به تعریف دو گانه از مفهوم منطقه همگن و منطقه اداری و سیاسی است. در این مقاله، با استفاده از مدلهای فوق الذکر تفاوت نتیجه تحلیل ها در هر دو منطقه مقایسه شده و در خصوص دقت و صحت هر کدام بحث خواهد شد.

شاخص های مذکور حاصل نسبت شهر بزرگ یک شبکه شهری، به شهرهای مرتبه دوم تا پنجم همان شبکه

مهمترین شاخصی که امروزه در مطالعات نخست شهری مدنظر قرار می دهند، شاخص مهتاست که نتیجه آن رقمی بین صفر تا یک است و رقم ما بین ۰/۴۱ تا ۰/۵۴ برتری مطلوبی را نشان می دهد که برای شبکه شهری و سکونتگاهی نیز مفید است (حکمت نیا، ۱۳۸۵: ۱۹۸).

است. در همه شاخصها به جز شاخص موماو و الوصابی، صورت کسر جمعیت بزرگترین شهر شبکه است و مخرج آن در هر کدام از شاخصها متفاوت و شامل شهر دوم، شهر دوم تا چهارم و شهر اول تا چهارم است. در شاخص موماو والوصابی نسبت جمعیت شهرهای اول و دوم به جمعیت شهرهای سوم و چهارم محاسبه می شود.

جدول شماره ۱- شاخصهای تحلیل نخست شهری

توضیحات	اجزای فرمول	فرمول	شاخص	
هرچه مقدار عددی این شاخص بیشتر باشد، نشان دهنده میزان بالاتر نخست شهری یا بزرگسری در منطقه یا کشور مورد بررسی است. در شاخص چهار شهر، اگر مقدار عدد به دست آمده بین ۰/۶۵ و ۱ باشد فوق برتری، بین ۰/۵۴ تا ۰/۶۵ برتری، بین ۰/۴۱ تا ۰/۵۴ مطلوب و کمتر از ۰/۴۱ نخست شهری کمترین را نشان می دهد.	P کل جمعیت شهری P _۱ جمعیت شهر اول P _۲ جمعیت شهر دوم P _۳ جمعیت شهر سوم P _۴ جمعیت شهر چهارم	$UPI = \frac{P_1}{P}$	شاخص نخست شهری	میزان نخست شهری
		$ICI = \frac{P_1}{P_2}$	شاخص دو شهر	
		$ICI = \frac{P_1}{P_2 + P_3 + P_4}$	شاخص کینزبرگ	
		$MI = \frac{P_1}{P_1 + P_2 + P_3 + P_4}$	شاخص مهتا	
		$MAI = \frac{P_1 + P_2}{P_3 + P_4}$	شاخص موماو و الوصابی	

(فرهودی، ۱۳۸۸: ۵۹)

۱-۶- مفهوم منطقه و قلمرو تحقیق

مفهوم منطقه همواره در طول زمان متناسب با شرایط زمان و مکان معانی متفاوت به خود گرفته است. دو دیدگاه کلی در مورد منطقه وجود دارد: دیدگاه عینی و دیدگاه ذهنی. دیدگاه عینی معتقد به وجود مرزهای مشخص در منطقه عمدتاً بر اساس تقسیمات سیاسی است و در مقابل دیدگاه ذهنی ویژگیهای مشترک جغرافیایی اقتصادی و فرهنگی بدون توجه به محدوده های سیاسی را معتبر می داند. امروزه اکثر جغرافیدانان به دیدگاه ذهنی معتقدند. اگر چه در بین طرفداران این دیدگاه نیز آرای متفاوت رایج می شود. ولی بیشتر آنها

اعتقاد بر ویژگیهای مشترک دارند، تا تقسیمات سیاسی استانها (کلانتری، ۱۳۸۰: ۲۷). شاید ساده ترین تعریف منطقه را بتوان چنین بیان کرد که منطقه فضا یا قسمتی از یک محدوده جغرافیایی است که عوامل مشابه طبیعی، اقتصادی و اجتماعی آن را از محیط اطراف خود متمایز نموده و فضای یکپارچه و یکدستی را به وجود آورده است (شیعه، ۱۳۶۹: ۸۹). این عوامل مشابه می تواند شرایط اقلیمی، خصوصیات فرهنگی، زبان، نوع فعالیت اقتصادی، منطقه جغرافیایی و یا ترکیبی از آنها باشد.

پروفسور شکویی معتقد است هر گاه بخشی از سیاره زمین دارای چنان چهره‌هایی باشد که به وسیله عامل و یا عواملی به درجه‌ای از وحدت و هماهنگی برسد که با بخشهای مجاور خود اختلاف داشته باشد، منطقه خوانده می‌شود. به عبارت ساده‌تر، وحدت یابی اساس هر منطقه جغرافیایی است (شکویی، ۱۳۷۱: ۶۵)

هربرتسون به وسیله یک روش تحلیلی و برحسب چهار معیار شکل و ترکیب زمین، آب و هوا، رویش گیاهی و تراکم جمعیت، جهان را به مناطق طبیعی همگن تقسیم کرده است. به نظر وی «منطقه مجتمعی از زمین، آب، هوا، گیاه، حیوان و انسان است که در آن همچنانکه بخش مشخصی از زمین را تشکیل می‌دهند، ارتباط مکانی و فضایی نیز با یکدیگر دارا باشند (به نقل از زیاری، ۱۳۷۸: ۶۰).

آلبرت واترسون معتقد است منطقه قلمروی است با مسایل اجتماعی و اقتصادی مشترک که این مسایل بوسیله طبیعت یا سایر شرایط القا شده است. به نظر آرنووچی: «منطقه یک یا چند فضای جغرافیایی است که تمدن یک ملت در یک استاندارد بخصوص برای نیل به خواسته‌هایش از طریق منابع مادی به آن نیازمند است». ام. اچ. گوپال نیز معتقد است منطقه از نظر عملیاتی راحت‌ترین و از لحاظ اقتصادی با صرفه‌ترین واحد مکانی، بخشی و یا زمانی برای تخصیص منابع است که در آن هدف برنامه ریزی صرفاً به منزله رشد اقتصادی و رفاه است (به نقل از اشکوری، ۱۳۸۵: ۴۱).

منطقه همگن بخشی از یک فضای جغرافیایی با ویژگیهای مشترک طبیعی و اقتصادی و اجتماعی است که

پیوندهای فضایی مشخصی بین کانونهای مختلف سکونتگاهی و کانونهای اقتصادی برقرار است و دارای وسعت مناسبی برای انجام کار برنامه ریزی است. در این تعریف، عوامل مهم تاثیرگذار در برنامه ریزی با ابعاد منطقه‌ای که عامل محیط طبیعی، محیط اقتصادی، محیط اجتماعی، محیط فضایی و محیط برنامه ریزی است، تبیین شده است که می‌توان آن را تعریفی جامع از منطقه دانست. از طرف دیگر، منطقه اداری نیز عبارت است از یک فضای جغرافیایی که بر اساس ضوابط و معیارهای سیاسی و اداری به صورت مصنوع، نظیر مرزبندی استانهای کشور تقسیم بندی شده باشد (همان: ۴۳).

بنابراین، آنچه از نویسنده مقاله از مفاهیم و تعاریف مختلف اندیشمندان در خصوص مفهوم منطقه استنباط می‌کند، این است که منطقه بخشی از یک فضای جغرافیایی با تشابهات طبیعی، محیطی و اقتصادی است که دارای پیوندهای فضایی مشخصی بین نقاط مختلف این منطقه بوده، همچنین از وسعت و محدوده مناسب برای انجام فعالیت برنامه ریزی برخوردار است.

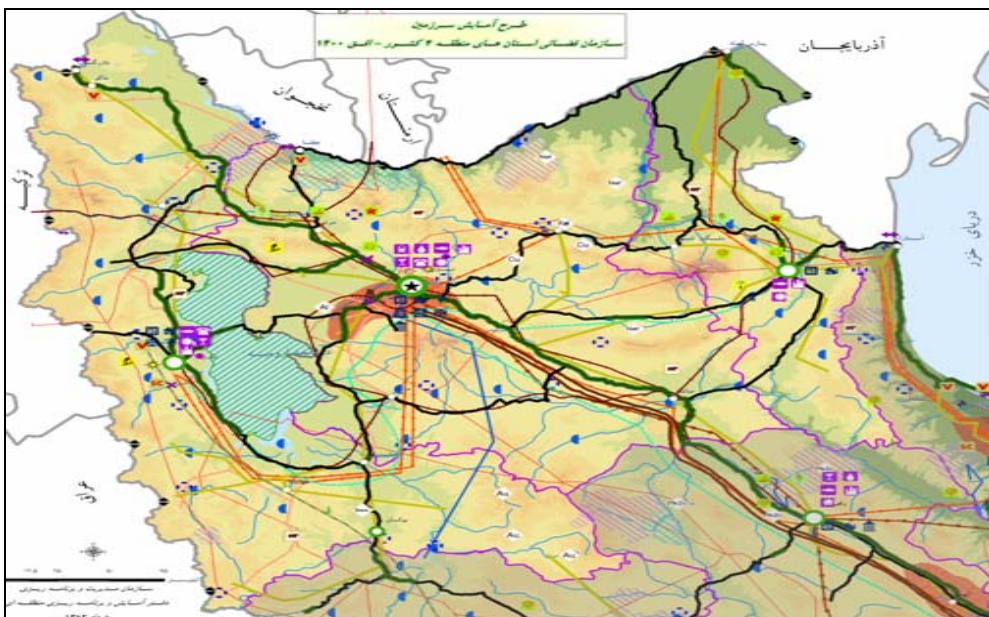
مطالعات فراوانی در خصوص ویژگیهای اجتماعی، اقتصادی و زیربنایی مناطق مختلف کشور انجام شده و منطقه بندی‌های متفاوتی نیز در این مطالعات شکل گرفته است. یکی از مهمترین این مطالعات، طرح کالبدی ملی و طرح آمایش سرزمین است که در هردو طرح، شمال غرب کشور شامل: استانهای آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی و اردبیل به عنوان یک منطقه همگن در نظر گرفته شده‌اند، ولی در برخی محافل علمی بر خلاف نتایج طرحهای بالادستی وکلان کشور، محدوده

منطقه همگن به این محدوده جغرافیایی، اقتصاد کشاورزی و صنعتی و دسترسی هر سه استان به مناطق مرزی کشورهای همجوار، پیوندهای اجتماعی و فرهنگی و زیربنایی عمیق در شمال غرب کشور و وسعت قابل برنامه ریزی آن دلیل بسیار محکم برای اطلاق منطقه همگن به محدوده جغرافیایی آذربایجان است (حسین زاده دلیر، ۱۳۸۲: ۲۰۶). به همین دلیل، در مطالعات کلان، بخصوص شبکه های زیربنایی یا نظام شهری و منطقه ای اطلاق مفهوم منطقه به هر یک از استانهای واقع در منطقه آذربایجان باعث استخراج نتایج غیر منطقی از بررسیها خواهد شد. بنابراین، در این مقاله ضمن اطلاق منطقه همگن به منطقه آذربایجان شامل سه استان، وضعیت سلسله مراتب شبکه شهری و نظام شهری منطقه همگن آذربایجان با استان آذربایجان شرقی مقایسه تطبیقی قرار می گردد.

های سیاسی استانها به عنوان منطقه همگن مورد تحلیل قرار می گیرد که در برخی مطالعات استان آذربایجان شرقی نیز به عنوان یک منطقه مستقل بررسی و نتایج غیر واقعی و غیر منطقی از وضعیت نظام شهری استخراج شده است.

برای نمونه، تحلیل نظام شهری استان قم بدون لحاظ کردن استانهای همجوار و بدون لحاظ منطقه همگن و کارکرد و نقش تهران بر آن، نتایج غیر معقول به همراه خواهد داشت که قابل دفاع نبوده، این موضوع ضرورت نگاه منطقه ای به مسایل نظام شهری را بیش از پیش آشکار می سازد.

آنچه در تعاریف منطقه و مفاهیم مربوط به آن باید توجه کرد، ویژگیهای منطقه است که به عنوان شروط اصلی اطلاق منطقه، از آنها یاد می شود. تشابهات طبیعی و محیطی منطقه آذربایجان، به عنوان پایه اصلی اطلاق



شکل شماره ۱- منطقه بندی آمایش کشور و موقعیت منطقه آذربایجان مأخذ: مرکز ملی آمایش سرزمین، ۱۳۸۳

۲- مبانی نظری

نظام شهری عبارت است از مجموعه‌ای از شهرهای وابسته به هم که ساختار نظام سکونتگاه‌های شهری را در یک ناحیه، منطقه، کشور و جهان پدید می‌آورند. نظام شهری تنها محدود به مجموعه کالبدی از سکونتگاه‌های شهری نیست، بلکه جریان‌ها و ارتباطات میان این سکونتگاه‌ها را نیز دربرمی‌گیرد. این جریانها عبارتند از: جمعیت، سرمایه، عوامل تولید، ایده‌ها، اطلاعات و نوآوری (عظیمی، ۱۳۸۱: ۵۳).

آنچه به عنوان نظام شهری شناخته می‌شود، تفاوت‌های چشمگیری در کشورهای پیشرفته و کشورهای در حال توسعه از خود نشان می‌دهد. با آغاز انقلاب صنعتی در کشورهای اروپایی، بازتوزیع وسیعی در جمعیت این کشورها صورت پذیرفت که می‌توان آن را عاملی برای انحراف نظام شهری اروپا برشمرد، چرا که بسیاری از شهرهای بزرگ کنونی از مقام شهر یا شهرک کوچک به رتبه‌های بالاتر سلسله مراتب ارتقا یافتند. انقلاب صنعتی تأثیر مهم دیگری نیز از طریق افزایش نابرابری در اندازه شهر در سراسر اروپا به طور عمده از طریق تأثیرات سامانه حمل و نقل برجا گذاشته است. با این حال، باید یاد آوری کرد که سلسله مراتب شهری در اروپا به طور کلی در نتیجه انقلاب صنعتی چندان آشفته نشده است و آنچه در کشورهای پیشرفته رخ داد، سازگاری آرام و منظمی میان تغییرات ساختار فضایی نظام شهری با دگرگونی در منابع انرژی و زیرساختی را به نمایش می‌گذاشت و به همین سبب، نظام شهری در کشورهای پیشرفته دارای نظم بیشتری است (فرهودی، ۱۳۸۸: ۵۷).

ورود موج صنعتی شدن به کشورهای جهان سوم، از اوایل قرن بیستم، به افزایش تولید و درآمد و به دنبال آن تقاضا برای خدمات شهری منجر گردید. این روند، تعداد و اندازه شهرها را در این کشورها بالا برد و از اواسط قرن بیستم زمینه را برای نابرابری و عدم تعادل در نظام شهری فراهم آورد (Pumain, 2003: 25).

مارک جفرسون، جغرافیدان آلمانی در سال ۱۹۳۹ در مقاله‌ای تخصصی برای اولین بار ایده نخست شهر را مطرح کرد. وی برای توضیح پدیده شهرهای بسیار بزرگی که بخش عمده‌ای از جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی کشورها در آنها متمرکز شده است و غالباً پایتخت این کشورها بوده‌اند، این گونه شهرها را نخست شهر و پدیده را نخست شهری نامید. او مدعی شد که اغلب کشورهای در حال توسعه و برخی از کشورهای توسعه یافته دارای نظام‌های نخست شهری هستند (زبردست، ۱۳۸۶: ۳۰).

همچنین به عقیده او شهرهای پرجمعیت نظام شهری غالباً با هیچ مدلی سازگار نیستند، معمولاً اندازه جمعیت شهر اول تا هشتم، کشور، بیشتر از مقدار مورد انتظار است (Jefferson, 1993: 48). برخی از پژوهشگران، نخست شهری را ماکروسفالی تعبیر کرده و برخی دیگر از بزرگی سر‌نحیف کشورها سخن گفته‌اند (توفیق، ۱۳۷۶: ۲)، اما معمولاً زمانی که نسبت جمعیت بزرگترین شهر به دومین شهر از عدد ۲ بیشتر باشد، اندازه شهر را نخست شهر گویند (زبردست، ۱۳۸۶، ۳۱). دراکاکیس اسمیت، نخست شهر را تسلط جمعیتی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی یک شهر بر تمام شهرهای دیگر داخل یک نظام شهری می‌داند (اسمیت، ۱۳۷۷: ۵۱). طبق تعریف سازمان ملل،

شهر اول به مجموع جمعیت شهرهای رتبه دوم تا چهارم است (Smith, 1995: 96).

سرانجام، مهتا بهترین روش برای تشخیص نخست شهر را سنجش نسبت اندازه شهر نخست به چهارشهر اول نظام شهری دانست. ریچاردسون با تطبیق شاخص چهار شهر با قاعده رتبه اندازه، بهترین وضعیت و نسبت مطلوب شهر اول به مجموع چهار شهر نخست نظام شهری را $0/48$ دانسته است (عظیمی، ۱۳۸۱: ۶۷).

ویژگی نخست شهری، تمرکز بالای جمعیت شهری کشورها در یک شهر یا مجموعه شهری است (United Nations, 2004: 97). گینزبرگ پیشنهاد کرد که بهتر است به جای دو شهر، چهار شهر اول نظام شهری برای محاسبه میزان «نخست شهری» انتخاب گردد، از همین رو، اصطلاح شاخص چهارشهر را مطرح کرد، که منظور از آن نسبت جمعیت

جدول شماره ۲- دامنه تغییرات و طبقه‌بندی شاخص نخست شهری

شاخص چهار شهر	نوع برتری شهری
۰/۶۵ تا ۱	فوق برتری
۰/۶۵ تا ۰/۵۴	برتری
۰/۵۴ تا ۰/۴۱	برتری مطلوب
کمتر از ۰/۴۱	حداقل برتری

(شارع پور، ۱۳۸۷: ۲۲)

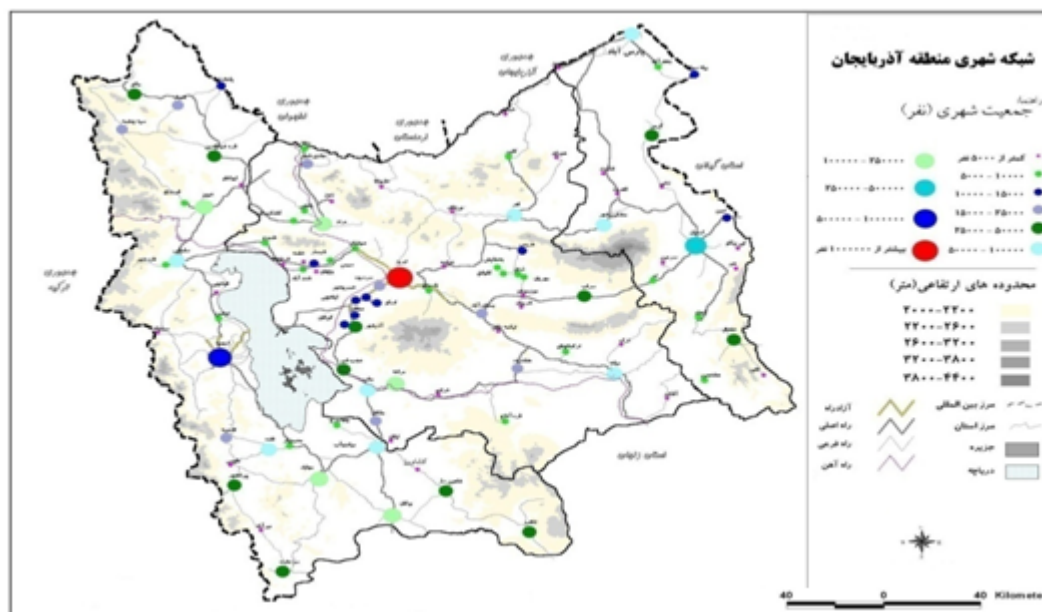
می‌شود. براساس آمار آرایه شده از طرف مرکز آمار ایران برای شهرهای کشور، در منطقه آذربایجان در سال ۸۵، ۱۱۴ شهر با جمعیت حدود $4/8$ میلیون نفر وجود داشته که در ۹ طبقه جمعیت به شرح جدول ۲ آمده است. نظام شهری منطقه شمال غرب کشور با توجه به برخورداری حداقل یک شهر در تمام طبقات از حالت تعادل نسبی برخوردار بوده و در تمام طبقات جمعیتی حداقل یک شهر قرار گرفته است. اگر چه تعداد شهرهای سطح ۷ و ۸ متناسب نیست، ولی مروری کلی بر روند تحولات جمعیتی شهرها در طبقات جمعیتی از سال ۳۵ تا ۸۵ (جدول ۲) نشان می‌دهد که روند جمعیت‌پذیری شهرها به سمت تعادل و کاهش شکاف پیش می‌رود.

با وجود آرایه مدل‌های مختلف در خصوص تحلیل‌های نظام شهری و نخست شهری، به دلیل استفاده این مدل‌ها در محدوده‌های جغرافیایی مختلف، نتایج متضادی استخراج شده که این مقاله می‌کوشد با تبیین مفهوم منطقه به شیوه استفاده از مدل‌های نخست شهری در محدوده‌های جغرافیایی بپردازد.

۳- تحلیل ویژگی‌های نظام شهری

۳-۱- برداشت ذهنی (منطقه همگن آذربایجان)

منطقه آذربایجان شامل استانهای آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی و اردبیل در شمال غرب ایران، با توجه به شرایط همگن اقلیمی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به عنوان یک منطقه، همگن برنامه‌ریزی شناخته



شکل شماره ۲- پراکنش شهرهای منطقه آذربایجان

درصد جمعیت شهری منطقه را به خود اختصاص داده‌اند. به تدریج از پایین‌ترین رده‌های سلسله مراتب با اینکه تعداد شهرها کاهش پیدا می‌کند بر افزایش تصاعدی جمعیت شهری به شدت افزوده می‌شود و متوسط جمعیت شهری شهرهای کمتر از ۲۵ هزار نفر بسیار پایین و در حد ۵۰۰۰ نفر است. این در حالی است که ۷۳ شهر زیر ۲۵ هزار نفر در این منطقه وجود دارد.

در منطقه شمال غرب کشور، شهر تبریز به عنوان کلانشهر منطقه‌ای با نقش‌های متعدد ملی و فراملی نزدیک به ۲۹ درصد جمعیت شهری منطقه را به خود اختصاص داده و در رأس هرم سلسله مراتب مراکز شهری قرار گرفته است، در صورتی که ۴۱ شهر کمتر از ۵ هزار نفر این منطقه در سال ۸۵ تنها حدود ۲/۴ درصد از جمعیت شهری منطقه را در خود جای داده‌اند. ۲۸ شهر ۱۰-۵ هزار نفری ۴/۱ درصد و ۱۷ شهر ۲۵-۱۰ هزار نفری ۵/۶

جدول شماره ۳- طبقه‌بندی اندازه شهرهای منطقه آذربایجان در سال‌های ۳۵-۱۳۸۵

۱۳۸۵		۱۳۷۵		۱۳۶۵		۱۳۵۵		۱۳۴۵		۱۳۳۵		طبقات	سطح
تعداد	جمعیت	تعداد	جمعیت	تعداد	جمعیت	تعداد	جمعیت	تعداد	جمعیت	تعداد	جمعیت		
۴۱	۱۱۸۵۵۵	۱۱	۳۸۹۶۰	۹	۳۵۶۵۰	—	—	۲	۷۹۹۰	۲	۷۲۹۸۰	کمتر از ۵ هزار نفر	۱
۲۸	۲۰۱۱۲۶	۲۳	۱۶۴۱۰۰	۱۵	۱۱۱۱۵۷	۲۲	۱۴۹۶۳۴	۱۶	۱۱۲۰۸۸	۱۱	۶۷۷۵۵	۵-۱۰ هزار نفر	۲
۱۷	۲۷۲۱۰۶	۱۵	۲۳۵۱۹۷	۱۷	۲۸۰۹۶۰	۱۴	۲۰۶۶۱۰	۹	۱۶۱۰۲۴	۹	۱۴۳۱۹۶	۱۰-۲۵ هزار نفر	۳
۱۱	۳۹۲۸۱۸	۱۱	۳۷۷۴۶۱	۶	۱۹۸۷۷۲	۷	۲۳۲۹۸۳	۳	۱۰۴۷۰۵	۲	۷۱۰۴۲	۲۵-۵۰ هزار نفر	۴
۸	۶۱۲۰۳۴	۸	۵۹۶۶۶۵	۸	۵۰۵۰۷۳	۲	۱۳۵۵۲۹	۲	۱۳۷۷۰۲	۲	۱۳۳۳۴۷	۵۰-۱۰۰ هزار نفر	۵
۶	۸۴۶۸۷۱	۴	۵۰۹۰۸۱	۲	۲۱۶۰۲۲	۲	۳۱۲۲۸۴	۱	۱۱۰۷۴۹	—	—	۱۰۰-۲۵۰ هزار نفر	۶
۱	۴۱۸۲۶۳	۲	۷۷۵۵۸۶	۲	۵۸۲۷۱۹	—	—	۱	۴۰۳۴۱۳	۱	۲۸۹۹۹۶	۲۵۰-۵۰۰ هزار نفر	۷

ادامه جدول شماره ۳- طبقه‌بندی اندازه شهرهای منطقه آذربایجان در سال های ۳۵-۱۳۸۵

۱	۵۸۳۲۵۵	-	-	۱	۹۷۱۴۸۲	۱	۵۹۷۹۷۶	-	-	-	-	۵۰۰-۱۰۰۰ هزار نفر	۸
۱	۱۳۹۸۰۶۰	۱	۱۱۹۱۰۴۳	-	-	-	-	-	-	-	-	میلیون نفر و بیشتر	۹
۱۱۴	۴۸۴۳۰۹۰	۷۵	۳۸۸۱۰۰۹۳	۶۰	۲۹۰۱۸۳۵	۴۸	۱۶۳۵۰۰۶	۳۴	۱۰۳۷۶۷۱	۲۷	۷۷۸۳۱۶	جمع	

مأخذ: سرشماری های عمومی نفوس و مسکن سال های ۳۵-۸۵

سایر شهرهای استان نتوانسته اند جای خالی کلانشهر تبریز را پر کنند.

در سال ۱۳۵۵ کلانشهر تبریز از رتبه جمعیت ۵۰۰-۲۵۰ هزار نفر به ۱۰۰۰-۵۰۰ هزار نفر ارتقا پیدا کرد و شهر مراغه با یک پله صعود از گروه جمعیت ۵۰-۲۵ هزار در سال ۱۳۳۵ به ۱۰۰-۵۰ هزار نفر در سال ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ ارتقا پیدا کرد. آنچه تا کنون در طول شش دهه گذشته اتفاق افتاده، حفظ فاصله دو طبقه جمعیت خالی کلانشهر تبریز با سایر شهرها بوده است. نکته قابل توجه اینکه حجم جمعیتی طبقات بالاتر به مراتب بسیار بالاتر و چندین برابر حجم شهرهای طبقات پایین تر است. با وجود این، در نظام شهری استان آذربایجان شرقی هنوز شهرهای مناسبی برای حضور در گروه های جمعیت ۵۰۰-۲۵۰ و ۱۰۰۰-۵۰۰ هزار نفر ظهور نکرده اند و در سال ۱۳۸۵ تنها دو شهر بالای یکصد هزار نفر جمعیت وجود داشته اند که مجموع جمعیت آنها کمتر از ۲۷۰ هزار نفر بوده است.

مقایسه کلی پراکنندگی شهرها در طبقات جمعیتی، حاکی است که کمبود جمعیت در سطوح ۲۵۰-۵۰۰ و ۵۰۰-۱۰۰ نفری در سلسله مراتب نظام شهری از نظر میزان جمعیت و تعداد شهرها باعث شده تعادل ایده‌آلی در فضای منطقه ایجاد نگردد.

۳-۲- برداشت عینی از منطقه (استان آذربایجان شرقی)

تحلیل سلسله مراتب اندازه شهرها در استان آذربایجان شرقی در شش دهه گذشته، گویای وجود خلا سکونتگاهی در سلسله مراتب شهری است. در سال ۱۳۳۵ اکثر شهرهای استان که ۱۹ شهر بود، زیر ۵۰ هزار نفر جمعیت داشتند و تنها شهر تبریز دارای جمعیتی معادل ۲۸۹ هزار نفر بوده است. در گروه های جمعیتی ۱۰۰-۵۰ هزار نفر و ۲۵۰-۱۰۰ هزار نفر هیچ شهری وجود نداشته است. از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵ به طور مداوم کلانشهر تبریز در هر ۲۰ سال؛ یعنی هر دو دوره یک بار طبقه جمعیت خود را یک پله افزایش داده است، ولی

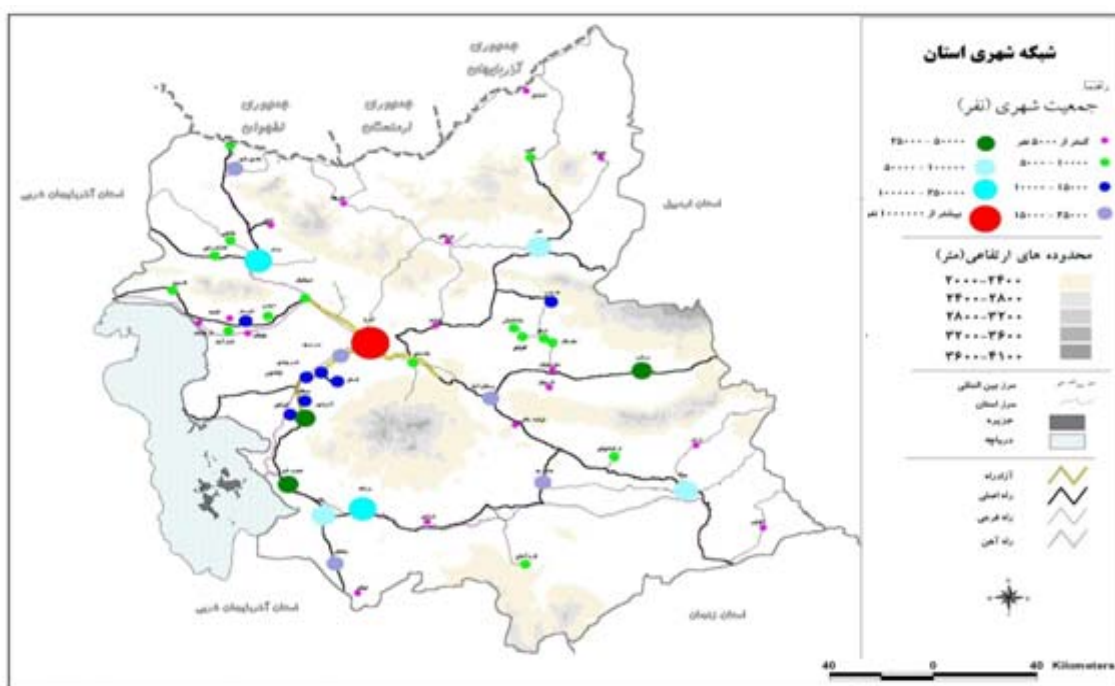
جدول شماره ۴- طبقه‌بندی اندازه شهرهای استان آذربایجان شرقی در سال های ۳۵-۱۳۸۵

سال ۸۵		سال ۷۵		سال ۶۵		سال ۵۵		سال ۴۵		سال ۳۵		طبقات
تعداد	جمعیت	تعداد	جمعیت	تعداد	جمعیت	تعداد	جمعیت	تعداد	جمعیت	تعداد	جمعیت	
۲۲	۶۸۴۷۵	۷	۲۵۷۸۴	۵	۱۹۲۶۵	۷	۲۵۰۰۱	۱۳	۴۴۲۸۱	۵	۱۳۵۸۵	کمتر از ۵ هزار نفر
۱۳	۹۳۲۳۰	۱۳	۹۷۷۱۶	۱۰	۷۹۱۵۱	۱۰	۶۶۸۸۲	۸	۵۳۳۱۶	۶	۳۶۰۸۴	۵-۱۰ هزار
۱۲	۱۹۰۳۰۰	۱۰	۱۴۷۶۱۵	۷	۱۱۰۲۸۷	۷	۱۰۱۹۹۷	۶	۱۰۹۷۴۶	۶	۹۴۹۰۷	۱۰-۲۵ هزار
۴	۱۳۴۵۳۸	۳	۹۴۱۹۲	۳	۱۰۵۸۲۷	۴	۱۳۳۵۳۹	۱	۲۸۴۴۷	۱	۳۶۵۵۱	۲۵-۵۰ هزار

ادامه جدول شماره ۴- طبقه‌بندی اندازه شهرهای استان آذربایجان شرقی در سال‌های ۳۵-۱۳۸۵

۳	۲۵۳۱۶۶	۴	۳۱۵۸۱۶	۳	۱۹۹۴۹۸	۱	۶۵۱۷۲	۱	۵۴۱۰۶	-	-	۵۰-۱۰۰ هزار
۲	۲۶۴۷۷۰	۱	۱۳۳۳۱۸	۱	۱۰۰۶۷۹	-	-	-	-	-	-	۱۰۰-۲۵۰ هزار
-	-	-	-	-	-	-	-	۱	۴۰۳۴۱۳	۱	۲۸۹۹۹۶	۲۵-۵۰۰ هزار
-	-	-	-	۱	۹۷۱۴۸۲	۱	۵۹۷۹۷۶	-	-	-	-	۵۰۰-۱۰۰۰ هزار
۱	۱۳۹۸۰۶۰	۱	۱۱۹۱۰۴۳	-	-	-	-	-	-	-	-	۱ میلیون نفر و بیشتر
۵۷	۲۴۰۳	۳۹	۲۰۰۴	۳۰	۱۵۸۶	۳۰	۹۹۰	۳۰	۶۹۳	۱۹	۴۷۱	جمع (هزار نفر)

مأخذ: سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۳۵-۸۵



شکل شماره ۳- پراکنش شهرهای استان آذربایجان شرقی

شهری هستند، اما در این شبکه، شهرهای ۱۰۰ - ۲۵۰ هزار نفر با ۲ شهر و ۱۱/۰۲ درصد جمعیت، در حلقه‌های میانی سلسله مراتب نظام شهری استان، دارای بیشترین درصد جمعیتی هستند. گسست جمعیتی و کارکردی بالاترین طبقه جمعیتی استان، یعنی طبقه بیش از یک میلیون نفر و طبقات پایین‌تر با فقدان مراکز شهری ۲۵۰-۵۰۰ هزار نفر و ۱۰۰۰-۵۰۰ هزار نفر، به خوبی مشهود است که همان مفهوم اساسی نظام شهری استان؛ یعنی «تمرکز» مانع از شکل‌گیری این طبقات جمعیتی

شایان ذکر است که تمرکز فزاینده جمعیت فعالیتها و امکانات در کلان شهر تبریز و برهم خوردن تعادل سلسله مراتبی ناشی از روابط منطقه‌ای مرکز - پیرامونی و قدرت بلامنازع شهر تبریز در جذب مازاد اقتصاد منطقه‌ای، باعث شده تا این شهر به تنهایی حدود ۶۰٪ از کل جمعیت شهری را تشکیل دهد. با این حال، آنچه در ساختار فضایی شبکه شهری استان قابل مشاهده است، تعداد زیاد مراکز شهری زیر ۱۰ هزار نفر با ۳۵ شهر است که حلقه رابط روستاها با سلسله مراتب بالاتر شبکه

از تشدید پدیده ماکروسفالی است. در طول ۵۰ سال گذشته، این ویژگی فوق برتری در استان تشدید شده و یا در ارقام ثابت باقی مانده است.

ویژگی عمده شبکه شهری استان، متأثر از شاخص فوق است که توزیع فضایی فعالیتها و کارکردهای شهری و روستایی پیرامونی را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. در این شبکه شهری، تبریز ۶۰٪ جمعیت شهری را در خود جای داده است که پیرو آن اقتصاد منطقه‌ای نیز به منظور استفاده از صرفه‌جویی‌های مقیاس به سمت تمرکز فضایی بیشتر به سمت تبریز میل می‌کند و همچنین، بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵، نظام شهری استان همچنان تمایل بیشتری به سمت تمرکز فضایی جمعیت، کارکردها و خدمات دارد و رتبه - اندازه مربوط به سال ۱۳۸۵ مؤید این نکته است. این شاخص برای جمعیت شهرهای استان در سال ۱۳۷۵، رقمی در حدود ۰/۷ است که در سال ۱۳۸۵ نیز همین شاخص به حدود ۰/۸ رسیده است.

نکته جالب اینکه نمودار تحلیل‌های نخست شهری در منطقه آذربایجان به سمت کاهش شدت نخست شهری و در استان آذربایجان شرقی به سمت افزایش شدت نخست شهری است. با این نتیجه، در صورتی که برنامه ریزان به نتیجه هر کدام از اینها استناد کنند باید برنامه ریزی و سیاستگذاری‌های کاملاً متفاوتی در پیش بگیرند که نشان دهنده اهمیت تعیین دقیق منطقه در مطالعات توسعه و برنامه ریزی است.

شده است که این عامل باعث پراکنش فضایی نامناسب سکونتگاههای شهری در استان شده است.

۳-۳- تحلیل شاخص نخست شهری برای هر دو نوع منطقه

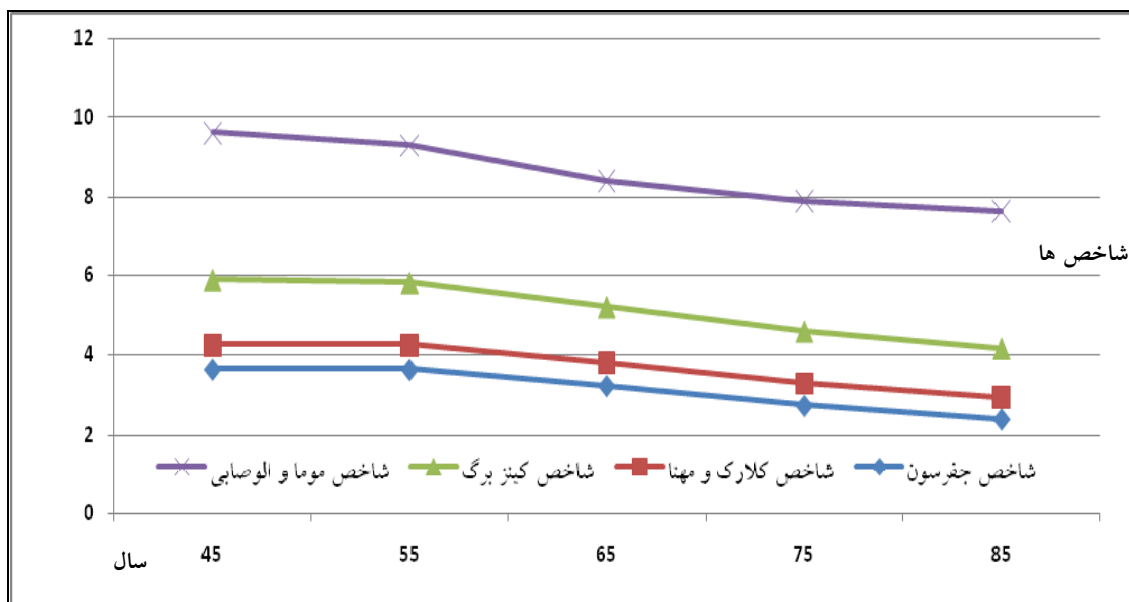
ابداع اولیه شاخص «نخست شهری» به مطالعات مارک جفرسون، جغرافیدان آمریکایی بر می‌گردد که او در سال ۱۹۳۹ ایده فوق را در کتاب خود با عنوان «قانون نخست شهری» مطرح کرد و با استفاده از داده‌های جمعیتی مربوط به ۴۴ کشور جهان و روش نسبی به تعیین شاخص به منظور اندازه‌گیری روند فوق پرداخت (Omura, 1986: 111). روش مورد نظر او، نسبت جمعیت شهر اول را به شهر دوم می‌سنجید. مقایسه ویژگی نخست شهری منطقه آذربایجان و استان آذربایجان شرقی نشان می‌دهد که تعادل نظام شهری در منطقه آذربایجان بسیار بهتر از استان آذربایجان شرقی است. بر اساس شاخص کلارک و مهتا نوع نخست شهری حاکم بر این دو منطقه باهم متفاوت است.

در منطقه آذربایجان از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۵ روند تغییرات حاکی است که در طول چهار دهه ویژگی برتری از ویژگیهای چهارگانه مدل کلارک بر منطقه حاکم بوده و در سال ۸۵، بعد از طی مراحل نزولی با کاهش این شاخص ویژگی برتری مطلوب بر منطقه حاکم بوده است که نمی‌توان بر آن پدیده نخست شهری شدید نام نهاد. در مقابل، در استان آذربایجان شرقی بر خلاف منطقه آذربایجان که روندها حاکی از تعادل بود، روندها حاکی

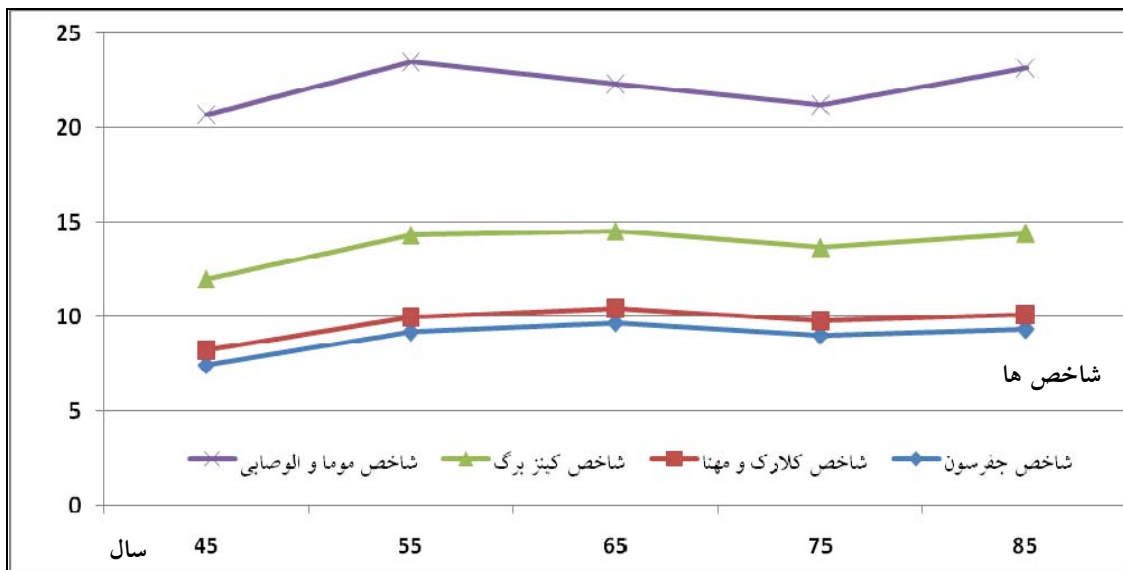
جدول شماره ۵- مقایسه تطبیقی ویژگی نخست شهری در شهرهای منطقه آذربایجان و استان آذربایجان شرقی

استان آذربایجان شرقی					منطقه همگن آذربایجان					منطقه - سال
۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	۱۳۴۵	۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	۱۳۴۵	جمعیت - شاخص
1398060	1191043	971482	597976	403413	1398060	1191043	971482	597976	403413	شهر اول
149929	132318	100679	65172	54206	583255	435200	300746	164419	110749	شهر دوم
89796	96396	71394	36164	28446	418262	340386	281973	147865	83596	شهر سوم
86760	78104	65659	36108	24063	149929	148944	115343	70357	54106	شهر چهارم
9.3	9.0	9.6	9.2	7.4	2.4	2.7	3.2	3.6	3.6	شاخص جغرسون
0.81	0.80	0.80	0.81	0.79	0.55	0.56	0.58	0.61	0.62	شاخص کلارک و مهنا
4.28	3.88	4.09	4.35	3.78	1.21	1.29	1.39	1.56	1.62	شاخص کینز برگ
8.77	7.58	7.82	9.18	8.72	3.49	3.32	3.20	3.49	3.73	شاخص موماو و الوصابی
فوق بر تری	فوق بر تری	فوق بر تری	فوق بر تری	فوق بر تری	برتری نزدیک به مطلوب	برتری	برتری	برتری	برتری	مرحله نخست شهری

مأخذ: سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۵ و سایت مرکز آمار ایران www.sci.org.ir



شکل شماره ۴- نمودار روند تغییرات نخست شهری در منطقه آذربایجان



شکل شماره ۵- نمودار روند تغییرات نخست شهری در استان آذربایجان شرقی

۴- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

آزمون فضایی تئوری قطب رشد در طول دهه‌های گذشته و آرمان دست یافتن سریع به آنچه غرب در طول صدها سال چالش اجتماعی - اقتصادی به آن رسیده بود و فرامتنی شدن الگوهای نظام شهری و تعقیب و ترغیب و کورکورانه مدلهای توسعه فضایی برخاسته از عوامل و شرایط تأثیرگذار غیر بومی، همراه با ضعف نیروهای مدیریتی و حکومتی داخلی در طول دهه‌های بعد از جنگ دوم جهانی، باعث تشکیل الگوی شبکه شهری زنجیره‌ای در ملل توسعه نیافته به جای شبکه روابط کهکشانی و وسیع شد.

در این فرایند، جریان جمعیت به سمت کانونهای فزاینده رشد باعث بزرگ سری شهر ملی در سطح کشور و شهرهای استانی در سطح نواحی شد که چرخه علیت تراکمی مورد نظر گونامیردال این پیچیدگی و تنوع کارکردی کلان شهرهای ملی و منطقه‌ای را بیشتر و بیشتر کرد.

زایش تهران بزرگ بعد از دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ و به تبع آن مادر شهرهای منطقه‌ای نظیر اصفهان و تبریز، به عنوان پایه‌های فضایی نشت توسعه قطبی شده و افزایش متغیرهای مداخله‌گر سیاسی - اقتصادی در جهت فزاینده‌گی بیشتر قطبش توسعه که می‌توان گفت قرینه‌ای تجربی در فضای سرزمینی به مفهوم «علیت تراکمی» مورد نظر میردال فراهم می‌آورد، الگوی سنتی روابط شبکه شهری و توازن سلسله مراتب شهری را بر هم زد. در الگوی مذکور روابط منطقه‌ای از مقیاس فضایی پایین یعنی روستا شروع و به سمت مرکز دهستان، بخش، مرکز ناحیه، مرکز استان و... تشکیل می‌شد.

چنین الگویی را می‌توان در شبکه شهری پهنه منطقه مورد نظر ما یعنی استان آذربایجان شرقی نیز پیدا نمود. جایی که در سال ۱۳۴۵ این استان با دارا بودن ۳۰ نقطه شهری در حقیقت ۳۰ حلقه کهکشانی را جهت ارائه خدمات به نقاط روستایی پایین دست دارا بود و در سال ۱۳۸۵ این ۳۰ حلقه به ۵۸ حلقه کهکشانی افزایش یافت.

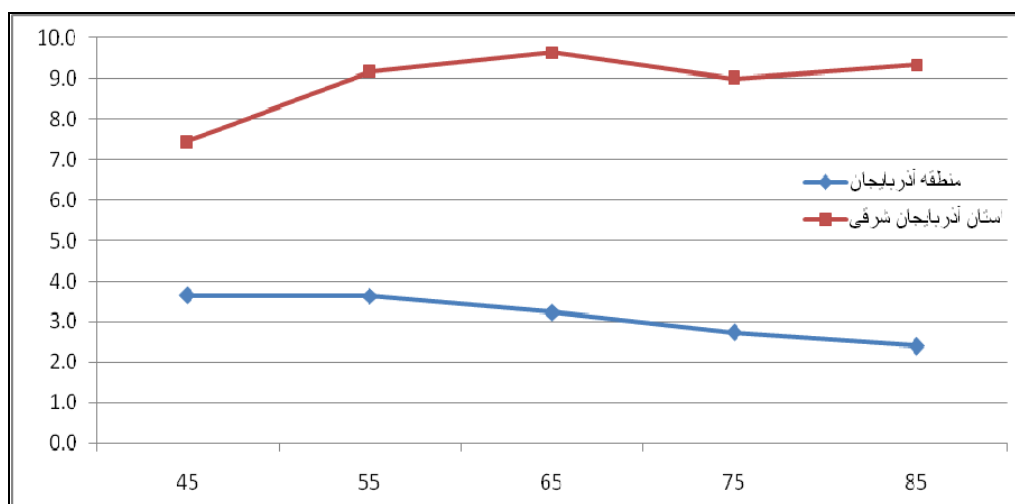
در مقایسه سالهای ۴۵ با ۸۵ این ویژگی تشدید هم شده است.

شکل ۶ به خوبی بیانگر شکاف عمیق بین این دو نوع منطقه بخصوص در سال‌های اخیر است. و جهت حرکت نمودارهای منطقه و استان آذربایجان شرقی باهم متفاوت بوده و استان آذربایجان شرقی به سمت عدم تعادل بیشتر و منطقه آذربایجان به سمت تعادل بیشتر در حرکت است.

متأسفانه به دلیل غالب بودن برنامه ریزیهای مبتنی بر حوزه‌های تفسیمات سیاسی استانها به دلیل تقسیم کار توسعه حاکم بر کشور، بعضی اوقات تحلیل‌های نادرستی از وضعیت استانها داده می‌شود که با واقعیت منطبق نمی‌باشد و این مقاله به خوبی این موضوع را تبیین کرده است.

تحلیل‌های این مقاله حاکی است آرایش شهرهای منطقه آذربایجان متعادلتر از آرایش شهرهای استان آذربایجان شرقی است. اگر به مفهوم منطقه بصورت منطقه کارکردی شامل استانهای آذربایجان شرقی، غربی و اردبیل بنگریم و تعادل نظام شهری را در این گستره بسنجیم پس نظام شهری منطقه آذربایجان در طول سالهای اخیر به سمت تعادل میل کرده و در حال حاضر در مرحله برتری مطلوب قرار دارد که با ادامه روند حاضر در دو دهه آینده آرایش فضایی متعادل تر شده و به سمت حداقل برتری میل خواهد کرد.

درمقابل اگر استان آذربایجان شرقی را به عنوان یک منطقه شناسایی کرده و مورد بررسی قرار دهیم نتایج حاکی است آرایش فضایی شهرهای استان از نظر جمعیت در مرحله فوق برتری قرار دارد و این وضعیت در ۵۰ سال اخیر با تغییرات بسیار اندکی مواجه شده و



شکل شماره ۶- مقایسه روند تغییرات شاخص نخست شهری در دو منطقه مورد مطالعه

نادرستی را ارایه دهد که به تعیین این نتایج در برنامه ریزی‌ها نیز تاثیرات منفی برجا خواهد گذاشت. در پایان، این نکته تاکید می‌شود که اکتفا به محدوده‌های

در نتیجه، تعریف درست مفهوم منطقه در مطالعات و برنامه ریزی‌ها حایز اهمیت فراوان است. چه بسا تعریف محدود و بدون در نظر گرفتن کارکردها می‌تواند نتایج

- ۲- اسمیت، دیوید، (۱۳۷۷)، شهر جهان سومی، ترجمه فیروز جمالی، نشر توسعه، تهران.
- ۳- اشکوری، (۱۳۸۵)، اصول و مبانی برنامه ریزی منطقه‌ای، انتشارات پیام، تهران.
- ۴- پورمحمدی، محمدرضا، و نادر زالی، (۱۳۸۶)، شبیه سازی شبکه شهری مبتنی بر مدل‌های آنتروپی و کشش پذیری، طرح تحقیقاتی، دانشگاه تبریز.
- ۵- تقوایی، مسعود، (۱۳۷۹)، تحلیلی بر تغییرات نظام شبکه شهری و روشهای متعادل سازی آن به منظور برنامه ریزی شهری و منطقه ای در ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه برنامه ریزی شهری.
- ۶- توفیق، فیروز، (۱۳۷۶)، شبکه شهرها و خدمات، جلد اول، مبانی نظری و ادبیات موجود؛ مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری، تهران.
- ۷- کلانتری، خلیل، (۱۳۸۰)، برنامه ریزی و توسعه منطقه ای، تئوریها و تکنیکها، انتشارات خوشبین، تهران.
- ۸- حسین زاده دلیر، کریم، (۱۳۸۲)، برنامه ریزی ناحیه ای، انتشارات سمت، تهران.
- ۹- حکمت نیا، حسن و میر نجف موسوی، (۱۳۸۵)، ماربرد مدل در جغرافیا، انتشارات علم نوین، یزد.
- ۱۰- زبردست، اسفندیار، (۱۳۸۶)، بررسی تحولات نخست شهری در ایران، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۹، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
- ۱۱- زیاری، کرامت اله، (۱۳۷۸)، اصول و روشهای برنامه ریزی منطقه ای، انتشارات دانشگاه یزد.
- ۱۲- زیاری، کرامت اله، (۱۳۷۹)، برنامه ریزی شهرهای جدید، انتشارات سمت، تهران.

جغرافیای سیاسی استانها در مطالعات و بررسیهای کلان، پیامدهای منفی بسیاری را برای برنامه ریزی و توسعه مناطق به دنبال خواهد داشت و پیشنهاد می شود در مطالعات فضایی، منطقه مطالعاتی خارج از مفاهیم تقسیمات سیاسی و صرفاً مبتنی بر همگرایی درونی عناصر، یک مجموعه که دارای کارکردی یکسان و همگن هستند، تعریف گردد که در این صورت، نتایج قابل اعتماد با کمک به شناسایی نقاط ضعف واقعی، باعث ارتقا کیفیت برنامه ریزی و توسعه منطقه ای خواهد شد.

۵- پیشنهادها و راهبردهای کلان

این تحقیق برای اثبات این قضیه بود که در برنامه ریزی های کلان، مهمترین موضوع تعریف دقیق مفهوم منطقه مورد مطالعه به صورت علمی و کاربردی است. به همین جهت، موارد زیر برای اعمال در سیاستگذاریهای کلان کشور پیشنهاد می شود:

۱-۵- انجام مطالعات دقیق منطقه بندی کشور با توجه به شاخصهای مختلف و پیوندهای کارکردی استانها با همدیگر؛

۲-۵- ابلاغ رسمی منطقه بندی به استانهای کشور برای ایجاد همگرایی بین استانهای واقع در یک منطقه و اعمال در مطالعات کلان؛

۳-۵- ایجاد امکان برنامه ریزی واحد منطقه ای برای استانهای همجوار و همگن به عنوان سند کلان منطقه ای.

منابع

- ۱- احمدی، حسن، چهاردولی، حبیب، (۱۳۷۶)، سلسله مراتب شهری، مرکز مطالعات وزارت کشور.

- 27- Pumain D. Moriconi-Ebrard F, (1997), City Size Distributions and Metropolisation, *Geojournal*, 43:4.
- 28- Smal, John, (1990), A modern dictionary of geography, Edward Arnold, London.
- 29- Smith, C, (1995), Types of City Size Distribution: A Comparative Analysis, *Urbanization in History: A Process of Dynamic Interactions*, Claredon Press.
- 30- United Nations, (2004), Department of Economic and Social Affairs/Population Division, World Bank.
www.sci.org.ir.
- ۱۳- شارع پور، محمود، (۱۳۸۷)، جامعه‌شناسی شهری، انتشارات سمت، تهران.
- ۱۴- شکویی، حسین، (۱۳۷۱)، فلسفه جغرافیا، انتشارات گیتاشناسی، تهران.
- ۱۵- شیعه، اسماعیل، (۱۳۶۹)، مقدمه‌ای بر مبانی برنامه ریزی شهری، دانشگاه علم و صنعت، تهران
- ۱۶- عظیمی، ناصر، (۱۳۸۱)، پویای شهرنشینی و مبانی نظام شهری، نشر نیکا، تهران.
- ۱۷- فرهودی، رحمت اله، (۱۳۸۸)، چگونگی توزیع فضایی جمعیت در نظام شهری ایران طی سالهای ۱۳۳۵-۱۳۸۵، پژوهشهای جغرافیای انسانی، شماره ۶۸، صص ۵۵-۶۸.
- ۱۸- قربانی، رسول، (۱۳۷۶)، درسنامه روشهای تحلیل منطقه‌ای، گروه برنامه ریزی شهری، دانشگاه تبریز.
- ۱۹- مرکز ملی آمایش سرزمین، (۱۳۸۳)، ضوابط ملی آمایش سرزمین، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.
- ۲۰- مرکز آمار ایران، (۱۳۸۸)، سرشماریهای عمومی نفوس و مسکن سالهای ۸۵-۴۵.
- ۲۱- معاونت برنامه ریزی استانداری آذربایجان شرقی، (۱۳۸۷)، طرح آمایش استان آذربایجان شرقی، جلد دوم: تحلیل اجتماعی و فرهنگی.
- 22- Bairoch, Paul, (1986), *Cities and economic Development*, University of Chicago.
- 23- Carter, Harold, (1990), *The sturdy of urban geography*, third edition, Edward Arnold.
- 24- Clark, David, (1996), *Urban world/ Global city*, by Rutledge, London.
- 25- Jefferson M, (1939), *The law of the primate city*, *Geographical Review*, 29.
- 26- Omuto, G.E, (1986), *Regional development and planning for Africa*, university of Benin.